

# حمایتهای مادی دیوان بین‌المللی کیفری

## از بزه‌دیدگان\*

- حسام‌الدین لسانی<sup>۱</sup>
- مرضیه دیرباز<sup>۲</sup>

### چکیده

دیوان بین‌المللی کیفری، نخستین دادگاه بین‌المللی کیفری است که دائمی بوده و بر مبنای اساسنامهٔ رم و با صلاحیت رسیدگی به نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز تأسیس شده است. دیوان، حمایتهای گوناگونی را برای بزه‌دیدگان در نظر گرفته است. شماری از این حمایتهای مانند خدمات پزشکی و روان‌پزشکی و کمکهای مالی صندوق آمانی بزه‌دیدگان، در گسترهٔ حمایتهای مادی جای دارند. پژوهش پیش‌رو، در پرتو مقررات دیوان، به تبیین و بررسی حمایتهای مادی پیش‌بینی‌شده برای بزه‌دیدگان می‌پردازد.

واژگان کلیدی: مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، حمایتهای مادی، حمایت پزشکی، حمایت روان‌پزشکی، حمایت مالی.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۳۱.

۱. استادیار دانشگاه حضرت معصومه (علیها السلام) (lesani77@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسندهٔ مسئول) (marziyedirbaz@gmail.com).

مقدمه

در سپیده دم هزاره سوم، رهبران جهان در بزرگ‌ترین گردهمایی تاریخ اعلام نمودند<sup>۱</sup> که از هیچ تلاشی دریغ نخواهند کرد تا اطمینان یابند که به کودکان و به همه جمعیت‌های غیر نظامی‌ای که از پیامدهای نسل‌کشی، مناقشات مسلحانه و دیگر موارد اضطرابی به شدت رنج می‌برند، هر کمکی داده شده و همه نوع پشتیبانی از آنان به عمل می‌آید.<sup>۲</sup> چنین توجهی از سوی جامعه بین‌المللی نسبت به حمایت از بزه‌دیدگان، پیامدهای مثبتی را برای آنان به همراه داشته است. دیوان بین‌المللی کیفری - که نقطه اوج شکوفایی تلاش‌های بین‌المللی در دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌آید- نیز، ضرورت توجه به نیازهای بزه‌دیدگان را مد نظر قرار داده است.

مقررات پیش‌بینی شده از سوی دیوان، گویای به رسمیت شناختن گونه‌های متفاوت آسیب‌های برآمده از جرم و کوشش در مسیر ترمیم این آسیب‌ها به شیوه‌های مناسب است. شناسایی حقوق برای بزه‌دیدگانی که شدیدترین و عمیق‌ترین آسیب‌ها را با تجربه جنایتهای بین‌المللی چشیده‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد. طیف وسیع و متنوع آسیب‌های برخاسته از جرایم، همچون نسل‌زدایی، جنایتهای علیه بشریت، جنایتهای جنگی و تجاوز، قربانیان آنها را نیازمند گستره وسیعی از حمایت‌ها، در گونه‌های متفاوت و متنوع می‌سازد. از میان آسیب‌های ناشی از جرم، هرگونه آسیب جسمانی، روانی و مالی، زیر عنوان «خسارت مادی / محسوس»<sup>۳</sup> جای می‌گیرد. خسارت مادی تنها به زیانهای مالی و خسارتهای وارد بر داراییها محدود نمی‌شود. لفظ مادی فراتر از پول، مال یا دارایی بوده و به هر آنچه که وجود بیرونی و جدای از ذهن دارد، اطلاق می‌گردد. بنابراین، حمایت مادی نیز به هر آنچه که خسارت مادی انگاشته

۱. اعلامیه هزاره ملل متحد، سندی راهنما برای سده‌ای جدید است که در اجلاس هزاره ۶- تا ۸ سپتامبر ۲۰۰۰ نیویورک- به تصویب مجمع عمومی رسید. اعلامیه، دیدگاههای سران ۱۴۷ کشور و دولت، و در مجموع ۱۹۱ ملت را منعکس می‌کند. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک:

< <http://www.unic-ir.org/publication/farsimdg.htm> > .

2. United Nations Millennium Declaration, Part VI(26).  
 3. Material/ Tangible Loss.

شود، تعلق می‌گیرد.

آسیبهای جسمانی ناشی از جرم، نیازمند دریافت کمکهای سریع پزشکی هستند. آسیبهای روانی نیز که در حقیقت در قلمرو بیماریها جای دارند، نیاز به کمک روان‌پزشکان را ضروری می‌سازند. کمکهای پزشکی و روان‌پزشکی در قلمرو «توان‌بخشی و بازپروری»<sup>۱</sup> که یکی از انواع سه‌گانه «جبران خسارت»<sup>۲</sup> از منظر دیوان است، قرار می‌گیرند. تمام آسیبهای مالی و اقتصادی ناشی از جنایتهای بین‌المللی نیز، شایسته جبران از سوی بزه‌کار، کمکهای بین‌المللی و دیوان می‌باشند. بدین ترتیب، «حمایت مادی» از بزهدیده دربردارنده انواع کمکهای پزشکی مانند خدمات درمانی، بهداشتی، دارویی، مراقبتهای پس از درمان و...، توان‌بخشیهای روان‌پزشکی مانند خدمات درمانی ویژه، برگزاری جلسات مشاوره، نشستهای «التیام خاطرات»<sup>۳</sup> و...، و همچنین گستره وسیعی از حمایتهای مالی مانند کمک‌هزینه اقامت، معیشت و تحصیل برای کودکان آواره و جنگ‌زده، کمک‌هزینه بازسازی خانه‌های ویران‌شده و ایجاد شغل برای بازماندگان، کمک به زنان خودسرپرست و... است.

پژوهش حاضر، با بررسی اسناد دیوان،<sup>۴</sup> با تأکید بر چهار سند: اساسنامه رُم، آیین دادرسی و ادله، آیین‌نامه‌های دیوان و آیین‌نامه‌های دفتر ثبت و بایگانی، به معرفی حمایتهای مادی پیش‌بینی‌شده برای قربانیان می‌پردازد. بنابراین، مطالب این مقاله در سه محور حمایت پزشکی، حمایت روان‌پزشکی و حمایت مالی تنظیم شده است.

## ۱. حمایت پزشکی

با وقوع جرم، ممکن است بزهدیدگان آسیبهای جسمی مختلفی را متحمل شوند.

1. Rehabilitation.

2. Reparation.

۳. نشستهای التیام خاطرات (Healing of Memories) با حضور قربانیان و جنگ‌زدگان برگزار می‌شود و بزهدیدگان با بازگویی خاطرات و تجربه‌های تلخ خویش، از همدردی و همیاری دوستان خود و سایر بزهدیدگانی که دارای تجارب یکسانی هستند، برخوردار می‌شوند.

۴. اسناد در وبگاه دیوان به نشانی <<http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC>>، قابل دست‌یابی است.

به همین دلیل، درمان پزشکی برجسته‌ترین و ضروری‌ترین گونه حمایت از چنین افرادی است. به علاوه، پزشکان با مستندسازی آسیبهای ناشی از جرم، نقش مهمی در اثبات وقوع جرم و به دنبال آن، رویداد بزه‌دیدگی ایفا می‌نمایند. از این رو، حمایت پزشکی در دو بخش خدمات درمانی و مستندسازی دلایل تبیین می‌شود.

### ۱-۱. خدمات درمانی

مساعدتهای پزشکی از اقداماتی هستند که بلافاصله پس از رویداد جنایی استفاده می‌شوند (توجهی، ۱۳۷۸: ۳۳). در صورت هرگونه کوتاهی در انجام درمان از سوی پزشک یا مرکز درمانی مربوط، این احتمال وجود دارد که پیامدهای بزه‌دیدگی و آسیبهها گسترش یابد و خطرهای جدی‌تری را برای بزه‌دیده به همراه آورد. در پاسخ به رخداد یک حادثه، ابتدا باید به کمک افرادی که دچار صدمه و جراحت شده‌اند، شتافت. در همین راستا، اصل مبنایی عدالت ترمیمی، مساعدت به افرادی است که آسیب دیده‌اند (رایت، ۱۳۸۳: ۲۰۸). کمکهای عملی به بزه‌دیدگان، در کنار تخت قربانیان در بیمارستانها و مراکز اورژانس آغاز می‌شود.

صدمات بدنی ناشی از جرم، همیشه فوری آشکار نمی‌شوند و ممکن است خفیف یا شدید و بلندمدت یا کوتاه‌مدت باشند. احتمال دارد که آسیب جسمی، یکی از تأثیرهای دائمی جرم باشد و هرگز بهبود نیابد. این مسئله بر بهبود روحی قربانی نیز تأثیر منفی خواهد داشت. بزه‌دیدگان در رویارویی با مواردی مانند: نقص عضو، از کارافتادگی دائم، آثار جسمی یک تجاوز و... شوکه شده و در بازیابی حس کنترل بر خویش، دچار مشکلات فراوانی خواهند بود. امواج شوک ناشی از بزه‌دیدگی، افرون بر بزه‌دیده مستقیم، به خانواده، خویشان درجه یک و آشنایان او - بزه‌دیدگان نامستقیم- نیز آسیب می‌رساند. این آسیبهها می‌تواند سالها یا حتی برای همه عمر باقی بماند. از این رو، پزشکان ایفاگران نقشهایی کلیدی در نخستین پرده تراژدی بزه‌دیدگی انگاشته می‌شوند.

بزه‌دیده، خواهان بازگشت به مرحله پیش از وقوع جرم است. او از پزشک

درخواست می‌کند که صدمه وارده را تا حد امکان ترمیم نماید. بزه‌دیدگان، وضعیت پیش از بزه‌دیدگی را به بهشتی که آن را از دست داده‌اند توصیف می‌نمایند (فیلیزولا، ۱۳۷۹: ۹۸). در چنین موقعیتی، پزشک باید از رهگذر گفتگو با بیمار، او را از وضعیت جدید و شرایط و پیامدهای آن آگاه نماید. پزشک می‌تواند بزه‌دیده را در سازگاری با بدن جدیدی که باید با آن زندگی کند، همراهی کند.

در نیازهای درمانی، میان قربانیان جنایتهای بین‌المللی و دیگر جرایم تفاوتی وجود ندارد. یک دست شکسته نیاز به درمان دارد، فرقی نمی‌کند که در جریان یک سرقت یا در نتیجه یکی از جنایتهای علیه بشریت آسیب دیده باشد. اما ویژگیهای متمایز بزه‌دیدگی در جنایتهای بین‌المللی، ضرورت برخوردی سازمان‌یافته را در این زمینه ایجاب می‌کند. عواملی نظیر: سطح وسیع بزه‌دیدگی، عمق و شدت آسیبهای وارده و شرایط ویژه روحی ناشی از بحرانها، بهره‌گیری از متخصصان پزشکی را در زمینه‌های گوناگون و متناسب با بزه‌دیدگیها ضروری می‌سازند.

مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، بر ضرورت حمایت پزشکی از بزه‌دیدگان تأکید دارند. به موجب این مقررات، مساعدت به قربانیان در دریافت کمکهای پزشکی، بر عهده «واحد بزه‌دیدگان و شاهدان»<sup>۱</sup> می‌باشد.<sup>۲</sup> این واحد می‌تواند در انجام وظایف خویش، از حضور متخصصانی در زمینه‌های مرتبط بهره‌گیرد.<sup>۳</sup> دفتر ثبت و بایگانی<sup>۴</sup> نیز، سازماندهی مراقبتهای پزشکی و کمک‌رسانی مناسب به بزه‌دیدگان را در مدتی که آنها در دیوان حضور دارند و در طول برگزاری دادرسها بر عهده دارد.<sup>۵</sup>

پزشکان، افزون بر ارائه خدمات درمانی به بزه‌دیدگان، نقش تعیین‌کننده‌ای نیز در اثبات بزه‌دیدگی آنان ایفا می‌نمایند.

1. Victims and Witnesses Unit (VWU).
2. Rules of Procedure and Evidence, Rule 17(3).
3. Ibid., Rule 19.
4. Registry.
5. Regulations of the Registry, Regulation 89(1)(a).

## ۱-۲. مستندسازی دلایل

پزشکان در ایفای نقش کلیدی خویش، به گونه‌ای منحصر به فرد برای وظیفه مستند ساختن دقیق شرایط بزه‌دیده و گزارش عینی این یافته‌ها - که از بسیاری از آنها به منزله دلیل در پرونده‌های کیفری استفاده می‌شود - مناسب هستند. در جریان درمان، گردآوری مدارک اطلاعات سودمندی را برای مقامهای تعقیب فراهم می‌کند. بنابراین، پزشکان باید اهمیت ویژه پیامدهای عملکرد خویش را در مورد قربانیان مهم‌ترین جنایتهای بین‌المللی در نظر داشته باشند. بزه‌دیدگان نقش مهمی در گردآوری اطلاعات برای دادستان،<sup>۱</sup> برای تصمیم‌گیری در مورد شروع تحقیقات و یا تعیین جرایم ارتکاب یافته در وضعیتهای<sup>۲</sup> ارجاع شده به دیوان، ایفا می‌کنند.

دادستان، اهمیت اطلاعات به دست آمده را ارزیابی خواهد کرد و بدین منظور می‌تواند اطلاعات بیشتری را از دولتها، ارکان ملل متحد، سازمانهای دولتی یا منابع معتبر دیگری که مناسب تشخیص دهد، درخواست کند.<sup>۳</sup> بزه‌دیدگان، هنگام تکمیل و ارسال فرمهای درخواست مشارکت در دادرسیها، علاوه بر توصیف آسیب ناشی از جرم، می‌باید هرگونه اسناد پشتیبانی‌کننده مرتبط را نیز پیوست نمایند.<sup>۴</sup> بدین سان، اطلاعات ارائه شده از سوی قربانیان، در صورتی که مستند به مدارک پزشکی باشد، بسیار ارزشمند خواهد بود. از این رو، پزشکان افزون بر نقشی که از رهگذر ارائه خدمات درمانی در حمایت از بزه‌دیدگان ایفا می‌نمایند، در تضمین دسترسی آنان به عدالت کیفری نیز به شیوه مؤثری عمل می‌کنند.

۱. با تشکیل نخستین جلسه مجمع دولتهای عضو - فوریه و آوریل ۲۰۰۳ نیویورک - لوئیس مورنو اوکامپو (Luis Moreno Ocampo) از آرژانتین، به عنوان نخستین دادستان دیوان انتخاب شده است.  
 ۲. تا ماه می سال ۲۰۱۲، هفت وضعیت به دادرسی دیوان ارجاع شده است. وضعیتها عبارتند از: وضعیت دارفور سودان (Darfur, Sudan)، جمهوری دموکراتیک کنگو (Democratic Republic of Congo)، اوگاندا (Uganda)، جمهوری افریقای مرکزی (The Central African Republic)، جمهوری کنیا (The Republic of Kenya)، لیبی (Libya) و جمهوری ساحل عاج (The Republic of Côte d'Ivoire).  
 (در این زمینه، رک: < www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Situations+and+cases/Situations >).

3. Rome Statute, Art 15(2).

4. Regulations of the Court, Regulation 86(2)(e).

حمایتهای مادی دیوان از بزهدیدگان، علاوه بر خدمات پزشکی، کمکهای روان پزشکی را نیز شامل می‌شود.

## ۲. حمایت روان پزشکی

حمایت از افراد، یکی از اهداف حقوق کیفری در عرصه بین‌المللی به شمار می‌آید (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۳: ۳۶) که افزون بر توجه به آسیبهای جسمانی، آسیبهای روانی ناشی از جرم را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. هرچند نیازهای روانی - و در پی آن توجه به آسیبهای روانی - همانند نیازهای جسمانی مهم هستند، شناخت کمتری نسبت به آنها وجود دارد. در گذشته، درک پیامدهای ناشی از جرم محدود به خسارات بدنی و مالی بوده است. به همین دلیل میزان حساسیت دادگاهها نسبت به آسیبهای روانی بسیار اندک بوده است (فرکلتن، ۱۳۸۳: ۷۵).

سلامتی، وضعیت مطلوبی است که فرد انسانی قادر است کارکرد جسمانی و روانی خوبی داشته باشد و طیف کاملی از قابلیت‌های خویش را بروز دهد (حبیبی مجنده، ۱۳۸۶: ۱۱). بدین سان، آسیب روانی نوعی نارسایی و بیماری است که در روان فرد پدید می‌آید و کارکرد روانی وی را مختل می‌سازد. اینکه فرد پس از تجربه یک جرم به ویژه از نوع شدید، دچار نوعی پریشانی خواهد شد، امری اجتناب‌ناپذیر است. شمار بسیار زیادی از واکنشهای احتمالی بزهدیدگان در رویارویی با جرایم شناسایی شده‌اند که از میان آنها می‌توان به افسردگی، اضطراب، وحشت‌زدگی و خشم اشاره کرد (پوت واین، ۱۳۸۳: ۴۰). تخریب تصویر ذهنی، نداشتن انگیزه، شرکت نکردن در برنامه‌های توان‌بخشی، از دست دادن کنترل درونی، اشکال در پذیرش وضع موجود، از دست دادن حس استقلال فردی و احساس ناتوانی در برخورد با مشکلات نیز از دیگر واکنشهای شناسایی شده هستند (احمدی، ۱۳۸۲: ۳۸۲).

در این میان، کودکان به دلیل عدم قدرت، نداشتن توانایی و استقلال و نیز به

۱. روان عبارت است از مجموعه قوای ذهنی معطوف به هوش، حافظه و عاطفه که استعداد و کیفیت رفتاری فرد را مشخص می‌کند.

لحاظ آسیب‌پذیر بودن، از آسیبهای روانی رنج می‌برند. هنگامی که ایستایی بزه‌دیدگان بزرگ‌سال در رویارویی با شنیع‌ترین جنایتهای بین‌المللی بسیار شکننده و لرزان است، از کودکانی که فرصت کافی برای شناخت جهان پیرامون خویش نداشته‌اند، چه انتظاری می‌رود؟! تأخیرهای رشدی، آشفتگی در خواب و کابوس شبانه، بی‌اشتهایی، گوشه‌گیری، بی‌علاقگی به بازی و اضطراب، جزء واکنشهای آنها نسبت به رویداد جنایی و تجربه بزه‌دیدگی به شمار می‌روند (ماهر، ۱۳۸۲: ۹).

بزه‌دیدگان در شناساندن آسیب روانی خود به دیگران، با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. بنابراین، استفاده فوری از تخصصهای روان‌پزشکان تأثیر زیادی بر بهبودی آنها خواهد داشت. روان‌پزشکی، شاخه‌ای از علوم پزشکی است که به تشخیص و درمان اختلالهای روانی و رفتارهای غیر طبیعی انسان می‌پردازد (گودرزی، ۱۳۸۴: ۳۱۳). گذر از بحرانهای روانی، نیازمند بهره‌گیری از تخصص روان‌پزشکان است. کمک به بزه‌دیده، نیازمند بررسی و تشخیص به‌هنگام مشکلات و یافتن راه‌حلی مناسب برای آنهاست. برقراری ارتباط با قربانی، ارزیابی میزان بزه‌دیدگی، شناسایی تواناییهای فردی و همراهی وی در پذیرش وضع موجود، پاسخ‌گویی به آسیب روانی را آسان‌تر می‌کند.

دیوان بین‌المللی کیفری نیز به منظور حمایت از قربانیان، از حضور متخصصانی در زمینه آسیبهای روانی برخوردار است<sup>۱</sup> و واحد بزه‌دیدگان و شاهدان، در دریافت کمکهای روان‌پزشکی به بزه‌دیدگان مساعدت می‌نماید.<sup>۲</sup> به استناد گزارشی که در کنفرانس بازنگری رُم - ۳۱ می تا ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰، کامپالا<sup>۳</sup> - ارائه شد، ۳۹۰۰۰ بزه‌دیده به طور مستقیم از خدمات توان‌بخشی فیزیکی و روانی یا حمایت‌های مادی دیوان استفاده نموده‌اند و ۱۸۷۰۰۰ نفر از اعضای خانواده و هموطنان آنان نیز از این کمکها بهره‌مند شده‌اند (International Criminal Court, 2010: 4).

از آنجا که شدت جرم، از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر نوع واکنش بزه‌دیدگان

1. Rome Statute, Art 43(6) & Rules of Procedure and Evidence, Rule 19(d).
2. Rules of Procedure and Evidence, Rule 17(3).
3. Kampala.



به‌شمار می‌آید، قربانیان جنایتهای بین‌المللی به لحاظ ویژگیهای خاص این جرایم و خاستگاه ویژه بزه‌دیدگی‌شان، به شدیدترین گونه‌های آسیب روانی دچار می‌شوند. کودکی سرباز در سیرالئون<sup>۱</sup> در توصیف وضعیت خود گفته است: «من شاهد بودم که آنها چطور دست انسانها را قطع کردند، زنان و مردان را سوزاندند... اغلب در تنهایی گریه می‌کنم، چون جرئت ندارم در برابر دیگران اشک بریزم» (<http://www.apcl.org.ir/press.htm>). تلاشهای قابل توجهی در راستای افزایش و بهبود تواناییها و ظرفیتهای وکلا و سایر کارگزارانی که در تعامل با بزه‌دیدگان قرار دارند، صورت پذیرفته است تا امداد رسانیها به صورت بهینه، اخلاقی و امن فراهم شود. برای مثال، «بخش مشارکت و جبران خسارات بزه‌دیدگان»<sup>۲</sup> با برگزاری ۲۵۱ نشست و سمینار، به گروههای مختلف قربانیان از جمله زنان، کودکان و قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی<sup>۳</sup> یاری رسانده است (International Criminal Court, 2010: 2).

موفق‌ترین شیوه درمان در مورد بازماندگان جنگ و بزه‌دیدگان تجاوز جنسی، درمان خانوادگی، گروهی و اجتماع‌محور است (اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۴: ۱۶۷). بنابراین، برقراری سازشی میان این دو نوع درمان، ضروری و مفید به نظر می‌رسد.

جلوه دیگر حمایتهای مادی پیش‌بینی‌شده از سوی دیوان، حمایت مالی از بزه‌دیده است.

### ۳. حمایت مالی

همگام با تغییر الگو از اقتصاد پایاپای به اقتصاد مبتنی بر پول، و گذر روانی- فرهنگی از تبادل واقعی به تبادل نمادین، راه برای برخوردهایی مشابه در خصوص جرایم گشوده شد و جامعه برای پذیرش پول یا کالا به عنوان وسیله‌ای برای جبران خسارت آماده گردید (ویانو، ۱۳۷۶: ۴۴۱). تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،

1. Sierra Leone.
2. Victims Participation and Reparations Section (VPRS).
3. Sexual and/ or Gender-based Violence (SGBV).

تقویم خسارات ناشی از آسیب جسمانی یا روانی را به مالی که برابر با آن بود، امکان پذیر کرد و پرداخت مستقیم خسارت به بزه‌دیده یا خانواده او مقدور شد. با وجود این، به دنبال تحولات عمده‌ای که در حقوق جزا رخ داد، در برهه‌ای از زمان، بزه‌دیده به طور کلی به دست فراموشی سپرده شد و حقوق جزا با تأثیر از آموزه‌های جرم‌شناختی، به سوی تمرکز بر بزه‌کار و شناسایی حقوق وی کشیده شد.

در واکنش به چنین وضعیتی، حامیان حقوق بزه‌دیدگان، نسبت به متروک شدن حق و نقش بزه‌دیده در فرایند کیفری اعتراض نمودند. ریشه چنین اعتراضاتی را می‌توان در گذشته‌های دور حتی پیش از تولد جرم‌شناسی یا در آوان تولد آن، جستجو نمود. همان‌گونه که در بیانیه پایانی کنگره بین‌المللی زندان - ۱۸۸۷، استکهلم<sup>۱</sup> - به صراحت تأکید شده است، دانش حقوق جدید به ویژه در امور کیفری، به اندازه کافی به جبران خسارات بزه‌دیدگان توجه نمی‌کند و بخشی از درآمد زندانیان باید صرف جبران خسارت بزه‌دیدگان شود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۴: ۲۰).

در پی پذیرش «واقعیت جامعه‌شناختی رفتار مجرمانه» در «خسارت ناشی از آن عمل» (آنسل، ۱۳۷۵: ۱۲۸) نه تنها ورود بزه‌دیده به فرایند کیفری پذیرفته شده، بلکه اهمیت نقشی که وی در این فرایند ایفا می‌نماید و توجه به نیازها و حقوق او نیز ضروری شده است. با وجود این، تا پیش از تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، جبران خسارت از بزه‌دیدگان، بخشی از عدالت کیفری بین‌المللی به شمار نمی‌آمد. محاکمه ژاپنیها و آلمانیها پس از جنگ جهانی دوم، بیشتر بر انتقام‌جوییهای سیاسی متمرکز بود تا بر جبران خسارات وارد بر مردم ژاپن و آلمان. با تصویب «اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت»<sup>۲</sup> - پیوست قطعنامه ۴۰/۳۴ نشست عمومی نود و ششم مجمع عمومی در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، مفهوم «حقوق شخصی بر دریافت جبران» وارد حقوق بین‌الملل گردید. اعلامیه در ماده ۸ مقرر می‌دارد:

1. Stockholm.

2. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power.

بزه‌کاران یا اشخاص ثالثی که در برابر رفتار آنها پاسخ گو هستند به مناسبت باید به گونه منصفانه‌ای از بزه‌دیدگان، خانواده یا خویشاوندان آنها خسارت‌زدایی کنند. این جبران باید بازگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان واردشده، پرداخت هزینه‌هایی که در پی بزه‌دیدگی حاصل شده است، خدمات‌رسانی و ترمیم حقوق بزه‌دیده را در بر گیرد.

دادگاههای اختصاصی یوگسلاوی و رواندا، هیچ‌گونه مقرراتی در خصوص پرداخت مستقیم خسارت به قربانیان ندارند. استرداد اموال از سوی محاکم ویژه پیش‌بینی شده است، اما بزه‌دیدگان نمی‌توانند از دادگاههای اختصاصی تقاضای جبران خسارت نمایند.<sup>۱</sup> در صورتی که قضاوت در محاکم ویژه پایان یافته باشد و متهم محکوم شده باشد، قربانیانی که در پی دریافت جبران هستند، می‌توانند بر مبنای حکم محکومیت بزه‌کار در دادگاههای اختصاصی، دعوایی را در دادگاههای ملی اقامه نمایند. به دنبال احساس این خلأ، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، خواستار ایجاد تغییراتی در مقررات دیوان به منظور پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان به هزینه متهمان گردید (ریدبرگ، ۱۳۸۳: ۱۹۸). در همین راستا، دادگاههای اختصاصی یوگسلاوی و رواندا نشستی را با حضور همه اعضا در سال ۲۰۰۰ برگزار نمودند. دادگاهها سرانجام به این نتیجه رسیدند که این امر نیاز به اصلاح اساسنامه دارد و شاید مناسب‌تر باشد که دریافت غرامت به مرجع دیگری واگذار گردد (والین، ۱۳۸۵: ۴۴).

با تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، برای نخستین بار در تاریخ، یک دادگاه بین‌المللی کیفری می‌تواند به اشخاصی دستور دهد که به اشخاص دیگری خسارت پرداخت نمایند (<http://www.icc-cpi.int/victimissues/victimsreparation/html>). به باور برخی از حقوق‌دانان، امیدبخش‌ترین امکان و پتانسیل توسعه، بهبود و ارتقای حقوق بزه‌دیدگان در دیوان بین‌المللی کیفری، منوط به جبران خسارت پیش‌بینی شده از سوی دیوان است (Bassiouni, 2006: 243). دیوان نهادی بی‌نظیر و منحصر به فرد

1. Statute of the International Tribunal for the Former Yugoslavia, Art. 24(3) & Statute of the International Tribunal for Rwanda, Art. 23(3).

است، زیرا اولین سازمان بین‌المللی است که «جبران خسارت بزه‌دیدگان از سوی محکوم» را به عنوان یک تئوری در عدالت کیفری بین‌المللی، ایجاد نموده است (Fischer, 2003: 200).

دیوان، افزون بر جبران خسارت قربانیان از رهگذر محکوم، راهکار دیگری را نیز پیش‌بینی نموده است. به موجب بند ۳ ماده ۷۹ اساسنامه، یک «صندوق امانی»<sup>۱</sup> به نفع قربانیان مشمول صلاحیت دیوان، با تصمیم مجمع دولتهای عضو<sup>۲</sup> ایجاد و هماهنگ با ضوابط تعیین‌شده از سوی آنان اداره خواهد شد.<sup>۳</sup> دیوان می‌تواند پرداخته‌های مربوط به جبران را از طریق صندوق امانی عملی سازد.<sup>۴</sup>

ایده ایجاد چنین صندوقی در دیوان کیفری بین‌المللی رواندا نیز مطرح شد،<sup>۵</sup> اما به نتیجه نرسید. جامعه بین‌المللی در برابر حیات، تمامیت جسمانی و رفاه همه انسانها، صرف نظر از ملیت، نژاد یا وابستگیهای منطقه‌ای، مسئول است. به علاوه، باید به قربانیان اقدامات غیر قانونی، در جهت تسکین آلام و رنجهای وارد بر آنها، شیوه‌های مناسب جبران خسارت را ارائه دهد. اما این حقیقت ناخوشایند را نباید نادیده گرفت که جامعه بین‌المللی هنوز به مرحله جامعه‌ای هم‌دل نرسیده است تا همه اعضای آن همگام با یکدیگر، بار مسئولیت رویدادهای ویرانگر سیاسی را بر عهده گیرند. بنابراین، تأسیس صندوق امانی دیوان برای حمایت از قربانیان و خانواده‌های آنان را می‌توان دستاوردی ارزشمند در عدالت کیفری بین‌المللی تلقی کرد.

هرچند جبران خسارت بزه‌دیدگان با تأکید بر جرایم خشونت‌بار - ترمیم واقعی برای

1. Trust Fund for Victims (TFV).

۲. تعداد دولتهایی که تا تاریخ ۱۱ می ۲۰۱۲ به عضویت دیوان درآمده‌اند، به ۱۲۱ کشور رسیده است. ۳۳ کشور از آفریقا، ۱۸ کشور از آسیا، ۱۸ کشور از اروپای شرقی، ۲۷ کشور از امریکای لاتین و دولتهای حوزه کارائیب و ۲۵ کشور از اروپای غربی و دیگر کشورها هستند.

3. Rome Statute, Art 79(3).

4. Ibid., Art 75(2).

۵. آگو یو. اوکالی (Agwu U. Okali)، رئیس دفتر ثبت دادگاه رواندا، در دسامبر ۱۹۹۸، طرحی ارائه نمود که در آن تأسیس یک صندوق پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان با تأمین اعتبار آن از محل کمکهای داوطلبانه، پیشنهاد شده بود.

آنان به شمار نمی‌آید، اما می‌تواند آرام‌بخش درد و رنج آنان باشد (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۱۹). قربانی شکنجه صرفاً به این دلیل که عامل شکنجه محکوم به پرداخت هزینه‌های درمان وی شود، سلامتی و آرامش خود را به دست نخواهد آورد، اما هنگامی که بازگشت به وضعیت پیشین غیر ممکن است، جبران مالی ابزار مناسبی برای کاهش آثار زیان‌بار بزهدیدگی خواهد بود.

حمایتهای مالی پیش‌بینی شده از سوی دیوان از رهگذر «جبران از سوی محکوم» و «صندوق امانی» پی‌گیری می‌شود.

### ۱-۳. جبران مالی بزهدیدگان از سوی محکوم

دیوان، به منظور جبران خسارت از قربانیان می‌تواند به طور مستقیم قراری علیه فرد محکوم صادر نماید.<sup>۱</sup> حمایتهای مالی پیش‌بینی شده از سوی دیوان زیر دو عنوان «ترمیم» و «غرامت» جای می‌گیرند.

#### ۱-۳-۱. ترمیم<sup>۲</sup>

ترمیم، ترجمان بازسازی وضعیتی است که پیش از ارتکاب جنایتها وجود داشته و استرداد حقوق و اموال را در بر می‌گیرد. ترمیم، استرداد حقوق و امتیازات را تحت پوشش قرار می‌دهد. بازگرداندن حقوق می‌تواند به معنای بازگشت فرد به شغل پیشین خود باشد. در جرایمی نظیر نسل‌زدایی، این امکان وجود دارد که متخصصان یا مقامات عمومی به دلیل اقلیت بودن، از کار و حرفه خویش منع شوند. به عنوان نمونه، اساتید دانشگاه به دلیل عضویت در یک گروه ملی، مذهبی یا سیاسی، از تدریس محروم گردند. چنان که نیروهای نظامی، پلیس صرب و نمایندگان آنها، به طور منظم روشنفکران و صاحبان مشاغل حرفه‌ای را از میان مسلمانان و کرواتهای بوسنی در شهرها و دهکده‌های مختلف هدف قرار می‌دادند (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷: ۱۰۶).

استرداد اموال بزهدیدگان نیز در قلمرو ترمیم جای دارد. بازگرداندن اموال به صاحبان اصلی آنها در حقوق داخلی با مشکلات متعددی روبه‌روست. دادگاههای

1. Rome Statute, Art 75(2).

2. Restitution.

رسیدگی کننده به جرایم، نیازمند استفاده از اموال موجود به عنوان ادله ارتکاب جرم هستند و این امر منجر به ضبط اموال از سوی دادگاه می‌شود. ممکن است دادرسیهای دادگاه مدت زمان زیادی به طول انجامد و در این فاصله بزه‌دیده از دسترسی به اموال خود محروم خواهد بود. از سوی دیگر، یافتن صاحبان اصلی اموال در میان بزه‌دیدگان متعدد دشوار و در مواردی غیر ممکن است.

دیوان بین‌المللی کیفری، افزون بر تجربه مشکلات و موانع رایج و گریبان‌گیر سیستمهای عدالت کیفری ملی، در سطحی وسیع‌تر و وخیم‌تر به دلیل گستردگی دامنه بزه‌دیدگی و در نتیجه رویارویی با انبوهی از بزه‌دیدگان، با موانع دیگری نیز مواجه است. دیوان، اختیارات یک مقام ملی را ندارد و نمی‌تواند همان‌گونه که یک دادگاه داخلی با تکیه بر قدرت و اختیار خود عمل می‌کند، از عهده این موانع برآید. دیوان در انجام وظایف خود به شدت نیازمند همکاریهای بین‌المللی و حمایت دولتهاست. به همین دلیل است که دولتهای عضو، ملزم به پذیرش درخواستهای دیوان برای ارائه مساعدت در زمینه اعلام موقعیت اشیا،<sup>۱</sup> ضبط اموال،<sup>۲</sup> شناسایی و ردیابی داراییها و ضبط وسایل به کاررفته در ارتکاب جنایت به منظور مصادره بعدی هستند.<sup>۳</sup>

در این راستا، شعبه مقدماتی یک، در پرونده توماس لوبانگا،<sup>۴</sup> به تهیه درخواستهایی مبنی بر همکاری دولتهای عضو اساسنامه در معرفی، ردیابی، مسدود کردن حسابها، ضبط و توقیف اموال لوبانگا حکم نمود (Happold, 2007: 717). این تصمیم، گویای اتخاذ تدابیر حمایتی از سوی شعبه مقدماتی، به منظور تضمین حکم جبران خسارات در آینده است.

1. Ibid., Art 93(1)(a).

2. Ibid., Art 93(1)(h).

3. Ibid., Art 93(1)(k).

۴. توماس لوبانگا (Thomas Lubanga) مؤسس و رهبر اتحادیه وطن پرستان کنگویی در ناحیه ایتوری - شرق جمهوری دموکراتیک کنگو - نخستین متهم دیوان بین‌المللی کیفری است. وی متهم به ارتکاب جنایات جنگی، از جمله به خدمت گرفتن کودکان سرباز و شرکت دادن آنان در گروگان‌گیری از سپتامبر ۲۰۰۲ تا اوت ۲۰۰۳ می‌باشد.

### ۳-۱-۲. غرامت<sup>۱</sup>

همان گونه که پیشتر نیز ذکر شد، غرامت چیزی است که در ازای هر آسیب یا خسارت برآوردپذیر از نظر مالی، پرداخت شود. بدین سان، غرامت شامل مواردی نظیر: هزینه‌های پزشکی و بیمارستان، مشاوره حقوقی و روان‌شناسی، اموال خسارت‌دیده، ضرر دستمزد، هزینه‌ای برای تمام عمر در صورت از کارافتادگی دائم، هزینه مراقبت دائمی و... است. در این راستا، دادرسان دیوان می‌توانند در رأی خود حدود و میزان هر نوع آسیب، نقص و یا صدمه را معین نموده<sup>۲</sup> و بر اساس آن میزان غرامت را مشخص کنند. دیوان در این مسیر با موانع بسیاری روبه‌روست که به دو مورد از آنها اشاره می‌شود:

الف) هر بزه‌دیده خسارت خود را به گونه‌ای شخصی ارزیابی می‌کند. بنابراین، یک خسارت یکسان، برای تمامی بزه‌دیدگان دارای ارزش برابری نیست. دیوان بین‌المللی کیفری، به منظور تضمین حمایت مالی از بزه‌دیدگان، ناچار است میزان خسارت را با توجه به وضعیت هر یک از آنان برآورد کند. بررسی و برآورد شخصی میزان خسارات و منافع، کاری دشوار و حتی ناممکن است. غرامت می‌تواند از یک یورو نمادین تا میلیونها یورو رده‌بندی شود. وسعت دامنه این محدوده، بیانگر مشکل بودن امکان ترمیم مالی است. از این رو، دیوان باید ملاک‌هایی نوعی برای برآورد میزان خسارات تنظیم نموده و بر مبنای آنها حکم دهد.

ب) بزه‌دیدگان برای دریافت غرامت از دیوان، باید فرمهای درخواست جبران خسارات را تکمیل و ارسال نمایند. بزه‌دیدگان در این فرمها، جبران مورد نظر خویش را به دیوان اعلام می‌کنند. این امکان وجود دارد که قربانیان با تکمیل فرمها انتظارات نابجایی بر دریافت خسارت پیدا کنند. به علاوه، دیوان در تعیین غرامتها باید میزان توانایی مالی محکوم را نیز در نظر داشته باشد. دیوان باید به شیوه‌ای عمل نماید که قربانیان و محکومان، همزمان احساس اجرای عدالت نمایند.

1. Compensation.
2. Rome Statute, Art 75(2).

آنچه در این میان اهمیت می‌یابد، مدیریت انتظارات بزه‌دیدگان است. تحقیقات نشان می‌دهند که بزه‌دیدگان می‌خواهند دست کم برخی از هزینه‌ها جبران شوند، نه اینکه اصرار بر دریافت کامل خسارت داشته باشند (Wemmers, 2006: 23). بنابراین، دیوان با مدیریتی مناسب می‌تواند به شیوه‌ای موفق عمل کند. شعبه مقدماتی یک، در پرونده لوبانگا بر این باور است که موفقیت دیوان تا اندازه‌ای در گرو موفقیت سیستم جبران آن است (Happold, 2007: 717).

صرف نظر از جبران خسارت توسط محکوم، صندوق امانی نیز در مسیر حمایت مالی از بزه‌دیدگان و جبران خسارتهای ناشی از جنایتها گام برمی‌دارد.

### ۲-۳. صندوق امانی بزه‌دیدگان

اصل بر این است که بزه‌کار خود مسئول جبران خسارتهای وارد بر بزه‌دیده است. اما بزه‌کاران منبع خوبی برای تأمین خسارات قربانیان به شمار نمی‌آیند. موانع بسیاری مانند عدم شناسایی مجرم، عدم تسلیم او به عدالت کیفری در صورت شناسایی، عدم کفایت ادله جرم در صورت تسلیم به عدالت کیفری و یا فرار بزه‌کار در صورت محکومیت، از انجام این امر جلوگیری می‌نمایند.

افزون بر موارد ذکر شده، با در نظر گرفتن ویژگیهای خاص نقضهای فاحش حقوق بشر، مشکلات دیگری نیز بروز می‌کنند. اشخاصی که در برابر دیوان محاکمه می‌شوند به چندین جنایت متهم هستند که بی‌گمان شمار بسیاری از بزه‌دیدگان را متأثر کرده است. به عنوان نمونه، بخش مشارکت و جبران خسارات بزه‌دیدگان، از سال ۲۰۰۵ تا آوریل ۲۰۱۰، در مجموع ۳۳۰ درخواست جبران خسارت دریافت کرده است (International Criminal Court, 2010: 1). در چنین وضعیتی، محکومان به تنهایی و با اموال یا درآمدهای شخصی خود قادر به جبران آسیبهای به وجود آمده، نیستند. تجربه دادگاه‌های ویژه بین‌المللی نشان می‌دهد که تعداد بسیاری از متهمان در ادعای فقر و حتی ادعای عدم امکان پرداخت هزینه‌های دفاع نیز موفق بوده‌اند. بر این اساس، هر تلاشی به منظور اثبات مسئولیت مالی یا شناسایی و ضبط اموال در مورد عاملان کشتارهای جمعی، از آغاز بی‌نتیجه و بیهوده خواهد بود.



برای رهایی از این مشکلات، دیوان بین‌المللی کیفری، شیوه مناسب‌تری را برای جبران خسارت بزه‌دیدگان پیش‌بینی نموده است. مجمع دولتهای عضو به موجب بند ۱ ماده ۷۹ اساسنامه رُم، در سپتامبر ۲۰۰۲ صندوق امانی را تأسیس نمود. در جریان بررسیهای کمیته مقدماتی، سه هدف برای ایجاد صندوق امانی مطرح شده بود:

۱. پرداخت هزینه‌های محاکمه؛
۲. پرداخت خسارت به دولتهای متبوع بزه‌دیدگان؛
۳. پرداخت خسارت به بزه‌دیدگان جرایم و خانواده‌هایشان (Glickman, 2004: 262).

در نهایت، پس از انجام بررسیها و مباحثات کنفرانس دیپلماتیک، سومین هدف برگزیده شد و مجمع دولتهای عضو، همسو با اهداف عدالت ترمیمی، کمک به قربانیان را از رهگذر صندوق امانی میسر ساخت (Keller, 2007: 190).

تأسیس صندوق امانی، گویای باور جامعه بین‌المللی به نقش مهم «جبران» در دستیابی قربانیان به عدالت است. وجوه و سایر اموال جمع‌آوری‌شده از طریق جرمه یا مصادره اموال، بر مبنای دستور دیوان به صندوق امانی منتقل می‌شوند.<sup>۱</sup> در صورتی که در زمان صدور قرار پرداخت خسارت از ناحیه محکوم، پرداخت شخصی جبران به هر بزه‌دیده به طور مستقیم غیر ممکن یا غیر قابل اجرا باشد، دیوان می‌تواند دستور دهد که مبلغ تعیین‌شده در صندوق تودیع شود. این مبلغ باید از سایر منابع مالی صندوق جدا شده و در نخستین فرصت به هر یک از قربانیان پرداخت شود.<sup>۲</sup>

در صورتی که شمار بزه‌دیدگان، دامنه وسعت و انواع جبران تعیین‌شده از سوی دیوان، صدور حکم گروهی را مناسب‌تر سازد، دیوان می‌تواند دستور دهد که پرداخت جبران توسط محکوم، از رهگذر صندوق صورت پذیرد.<sup>۳</sup> دیوان، پس از مشاوره با دولتهای ذی‌نفع و صندوق امانی، می‌تواند دستوری مبنی بر پرداخت جبران به یک سازمان دولتی، بین‌المللی یا ملی تأییدشده از سوی صندوق، صادر نماید.<sup>۴</sup>

1. Ibid., Art 79(2).

2. Rules of Procedure and Evidence, Rule 98(2).

3. Ibid., Rule 98(3).

4. Ibid., Rule 98(4).

قاعده کلی این است که جبران به صورت انفرادی و به تک تک قربانیان پرداخت شود. با این همه، در پاره‌ای موارد به دلیل شمار بسیار زیاد قربانیان یا مبلغ ناچیز در نظر گرفته شده برای جبران، دیوان احکام جبران خسارت گروهی - مانند پرداخت مبلغی برای ساخت یک مدرسه، پرورشگاه یا بیمارستان برای قربانیانی که در کشور خود مانده‌اند - صادر می‌کند. در مقابل، پرداخت فردی برای کودکانی که در پی وقوع جنایت از کشور خود خارج شده‌اند و در سرزمینی بیگانه با پدرخوانده یا مادرخوانده زندگی می‌کنند، مناسب‌تر خواهد بود.

میزان اموال گردآوری شده در صندوق، در برابر آنچه که باید به بزه‌دیدگان پرداخت شود، بسیار ناچیز جلوه می‌کند. هر چند از میان انبوه بازماندگان جنایتهای بین‌المللی، فقط تعداد محدودی از آنها امکان مشارکت در دادرسیها را می‌یابند و دیوان در جبران خسارت این شمار اندک نیز ناتوان خواهد بود. ناتوانی دیوان ناشی از محدودیت منابع مالی و میزان بسیار بالای هزینه‌هاست. محدودیتهای صندوق امانی برای کسانی که در این سازمان مشغول خدمت هستند، محسوس‌تر خواهد بود. دسموند توتو<sup>۱</sup> در سخنرانی خود در اولین جلسه هیئت امنای صندوق امانی - ۲۲ آوریل ۲۰۰۴ - در تأیید محدودیتهای صندوق و خطاب به بزه‌دیدگان اظهار داشت:

ما نمی‌توانیم از شما جبران خسارت نماییم، اما می‌خواهیم نشان بدهیم که نگرانیم و امیدواریم کار کوچکی که برایتان انجام می‌دهیم تا اندازه‌ای آلام شما را تسکین دهد و جراحاتتان را التیام بخشد (Wemmers, 2006: 29).

در این میان، آنچه اهمیت می‌یابد پاسخ‌گویی به این پرسش بنیادی از سوی صندوق امانی است که چه کسانی شایسته جبران خواهند بود و چه کسانی استثنا خواهند شد؟ به عبارت دیگر، معیار ترجیح و برتری بزه‌دیدگان نسبت به یکدیگر، در برخورداری از جبران چیست؟ آیا شدت جرم ارتكابی، عمق و وخامت آسیب ناشی از جرم و یا تقدم زمانی در ارائه درخواست جبران، می‌توانند معیارهایی برای

1. Desmond Tutu.

ترجیح باشند؟ ایده آل این است که قربانی واقعی جبران را دریافت نماید، اما آیا بزهدیده‌ای وجود دارد که شایسته بهره‌مندی از جبران خسارت نباشد؟! ممکن است فردی در یک زمان بزه‌کار و در زمانی دیگر بزهدیده باشد. احتمال دارد قربانی یکی از اعضای خانواده مجرم باشد. در حقیقت، در جنگ و بزهدیدگی‌های گروهی، به احتمال زیاد بزهدیدگان و مجرمان از دو گروه کاملاً مجزاً نیستند. این گونه همپوشانی در کودکان سرباز به چشم می‌خورد.<sup>۱</sup>

بزهدیدگانی که به طور مشخص پرونده‌ای در دیوان ندارند، اما در هر حال قربانی وضعیتهای ارجاع شده به دیوان هستند نیز می‌توانند از حمایتهای مالی صندوق بهره‌مند شوند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، حمایت مالی صندوق امانی، گستره وسیعی از بزهدیدگان را زیر پوشش قرار می‌دهد.

صندوق امانی می‌تواند از کمکهای غیردولتی، دولتی، افراد، سازمانها و... نیز بهره‌مند گردد. بر همین مبنا، صندوق در ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۸، بیانیه‌ای مبنی بر یک درخواست جهانی به منظور گردآوری ۱۰ میلیون یورو برای کمک‌رسانی به ۱/۷ میلیون قربانی خشونت جنسی مشمول جرایم تحت صلاحیت دیوان صادر نمود (<http://www.icc-cpi.int/press/pressrelease/420.html>). این مبلغ برای تأمین اعتبار برنامه‌های حمایتی، با تمرکز بر جوامعی که بیشترین تأثیرها را از وضعیتهای متحمل شده‌اند - یعنی کنگو، اوگاندا، افریقای مرکزی و دارفور سودان - مطالبه شد. مبلغ کمکهای ارائه شده به دیوان از سوی ۲۴ کشور جهان، از سال ۲۰۰۴ تا آوریل ۲۰۱۰، به ۴/۹ میلیون یورو رسیده بود که به ترتیب زیر بودجه‌بندی شد (International Criminal Court, 2010: 4):

- ۲/۷ میلیون یورو برای پروژه‌های شمال اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو؛

۱. کودکان سرباز در اوگاندا وادار شدند نسبت به کودکانی که مانند خود آنان ربوده شده‌اند و حتی نسبت به خواهران و برادران خود، اعمال خشونت نمایند. این کودکان پس از پایان یافتن مناقشات، دیگر جایی در جامعه خود ندارند و کنار گذاشته می‌شوند؛ زیرا در گذشته نسبت به افراد جامعه خود اعمال خشونت نموده‌اند. بنابراین همسایگان و حتی خویشاوندان آنها را طرد می‌کنند (در این زمینه، ر.ک: <http://www.apcl.org.ir/press.htm>).

2. Rules of Procedure and Evidence, Rule 98(5).

- اختصاص مبالغ به دست آمده در سال ۲۰۰۸ به پروژه‌های ویژه قربانیان خشونت‌های جنسی؛

- ذخیره ۱ میلیون یورو برای احکام آتی دیوان مبنی بر پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان و جبران خسارت آنان؛

- ذخیره ۶۰۰ هزار یورو برای پروژه‌های آتی کمک‌رسانی عمومی به جمهوری آفریقای مرکزی.

بر مبنای گزارشی که از سوی صندوق امانی بزه‌دیدگان در مورد موفقیت پروژه‌ها ارائه شده است، کمک‌های پرداخت شده از سوی دولتها و همچنین سازمانهای مردم‌نهاد، به مصرف تعداد زیادی از قربانیان اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو رسیده است. جدول زیر بیانگر بازه زمانی پروژه، مبالغ هزینه‌های مصرف شده، مکان اجرای پروژه و انواع حمایت‌های صورت گرفته و موارد آنهاست (Dixon, 2011: 9-10):

| بازه زمانی                      | هزینه        | مکان                      | اقدامات انجام شده  |
|---------------------------------|--------------|---------------------------|--|
| ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۹ تا ۱۰ مارس ۲۰۱۰ | ۴۷۰،۰۰۰ دلار | کیوی جنوبی (South Kivu)   | حمایت مادی از ۱۵۰۰ بزه‌دیده خشونت جنسی و جنسیتی و کمک‌های روان‌پزشکی به آنان   |
| ۱ نوامبر ۲۰۰۸ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲   | ۴۵۲،۸۶۳ دلار | ایتوری (Ituri) کیوی شمالی | کمک به ۱۹۰۰ کودک و نوجوان جنگ‌زده در «مدرسه صلح» (School of Peace)   |
| ۱ نوامبر ۲۰۰۸ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲   | ۵۷۴،۹۷۴ دلار | کیوی جنوبی                | ترمیم روانی ۳۷۰ بزه‌دیده خشونت جنسی و جنسیتی و کمک‌های مالی اندکی به آنان و پرداخت هزینه تحصیل ۷۸۴ نفر از فرزندانشان   |
| ۱ نوامبر ۲۰۰۸ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲   | ۹۶۷،۲۵۷ دلار | ایتوری                    | حمایت مادی از ۱۸۷ دختر درگیر در جنگ و اعطای هزینه تحصیل به ۱۸۳ نفر از فرزندان‌شان برای بازگشت به مدارس ایتوری و حمایت از ۱۵۰ کودک درگیر در جنگ و ۵۰ کودک جنگ‌زده |

| بازه زمانی                      | هزینه                          | مکان  | اقدامات انجام شده  |
|---------------------------------|--------------------------------|---|--|
| ۱ نوامبر ۲۰۰۸ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲   | ۱۹۱۶۴۷ دلار                    | کیوی جنوبی  | کمک به ۱۱۷ بزه‌دیده خشونت جنسی و جنسیتی، شکنجه و قطع عضو   |
| ۱ نوامبر ۲۰۰۸ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲   | ۲۰۴۷۴۱۶ دلار                   | کیوی شمالی  | حمایت مادی از ۵۵۰ بزه‌دیده خشونت جنسی و جنسیتی و کمکهای روان‌پزشکی به آنان   |
| ۵ نوامبر ۲۰۰۸ تا ۴ نوامبر ۲۰۱۲  | ۴۵۰۵۵۶۲۰۰ شیلینگ               | گولو (Gulu) آمورو (Amuru)                               | برگزاری جلسات «التیام خاطرات» برای صدها بزه‌دیده و اعطای بورس تحصیلی به کودکان ربوده‌شده، آسیب‌دیده و کودکانی که والدین خود را در جنگ از دست داده‌اند. |
| ۲۸ نوامبر ۲۰۰۸ تا ۲۷ فوریه ۲۰۱۲ | ۲۲۵۰۰۰ یورو                    | پادر (Pader) اوایام (Oyam)                              | کمکهای پزشکی و روان‌پزشکی برای هزاران زن بزه‌دیده خشونت‌های جنسی و جنسیتی  |
| ۱ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲   | ۳۴۵۷۷۰ دلار                    | ایتوری  | حمایت مادی از ۲۸۸ بزه‌دیده خشونت جنسی و جنسیتی و کمکهای روان‌پزشکی به آنان   |
| ۱ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۳۰ نوامبر ۲۰۱۲ | ۸۶۵۵۴۴۰۰۰ شیلینگ               | آموریا (Amuria)، لیرا (Lira)، لانگو (Lango)، تسو (Teso) | کمک برای انجام فعالیتهای کشاورزی به ۲۶۰۰ بزه‌دیده  |
| ۲ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱ دسامبر ۲۰۱۲  | ۳۲۲۹۵۸۳۰۲۹ شیلینگ <sup>۱</sup> | اوگاندا شمالی   | حمایت مادی از ۶۳۰۰ بزه‌دیده خشونت جنسی و جنسیتی و کمکهای پزشکی و روان‌پزشکی به آنان  |

افزون بر حمایت مالی از رهگذر جبران خسارت، مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، حمایت مالی از بزه‌دیدگان را در گونه‌های دیگری نیز پیش‌بینی کرده است. این تدابیر عبارتند از:

- بزه‌دیده یا بزه‌دیدگانی که فاقد امکانات کافی برای پرداخت هزینه وکیل عمومی انتخاب‌شده از سوی دیوان باشند، می‌توانند از مساعدت دفتر ثبت و

۱. شیلینگ (UGX) (Shiling) واحد پول اوگانداست و هر شیلینگ برابر ۰/۰۰۰۴۰۳ دلار است.

بایگانی، از جمله کمک مالی در صورت اقتضا برخوردار شوند.<sup>۱</sup>

- دیوان در صورت لزوم مسکن و غذای کاملاً مناسبی را برای بزه‌دیدگان حاضر در دادگاه، در مکانهای انتخاب شده از سوی دفتر ثبت و بایگانی فراهم می‌سازد. در صورتی که به تشخیص دیوان، دریافت کامل غذا و مسکن برای بزه‌دیده ضروری نباشد، هزینه جزئی مخارج وی پرداخت می‌شود.<sup>۲</sup>

- دیوان می‌تواند هزینه‌های جزئی مورد نیاز را برای حضور بزه‌دیدگان در دیوان، مانند هزینه اقامت یک شب در مرحله‌ای از سفر، پرداخت کند. میزان این هزینه‌ها توسط رئیس دفتر ثبت<sup>۳</sup> تعیین می‌شود و بازنگری در میزان آنها به طور انحصاری توسط وی انجام خواهد شد. رئیس دفتر ثبت، ملزم است نموداری از هزینه‌های سالانه را تهیه و از طریق وبگاه دیوان منتشر نماید.<sup>۴</sup>

- در صورتی که شخصی درخواست معاضدت قضایی با هزینه دیوان را داشته باشد، رئیس دفتر ثبت و بایگانی در مورد استطاعت متقاضی و اینکه آیا باید همه یا بخشی از هزینه معاضدت وی پرداخت شود یا خیر، تصمیم‌گیری خواهد کرد.<sup>۵</sup> این تصمیم، ظرف یک ماه به متقاضی ابلاغ خواهد شد. دامنه معاضدت قضایی برای بزه‌دیدگان، به وسیله رئیس دفتر ثبت در رایزنی با شعبه تعیین می‌شود.<sup>۶</sup> معاضدت قضایی، تمام هزینه‌هایی را که به طور منطقی ضروری است - مانند هزینه وکیل و دستیارانش، مخارج مربوط به گردآوری ادله، هزینه‌های اداری، هزینه‌های ترجمه، هزینه‌های حمل و نقل، سفر و زندگی روزمره - در بر می‌گیرد. شخص تحت پوشش معاضدت قضایی، می‌تواند از رئیس دفتر ثبت امکانات بیشتری را که با توجه به طبیعت پرونده مورد نیاز است، تقاضا کند.<sup>۷</sup>

1. Ibid., Rule 90(5).

2. Regulations of the Registry, Regulation 82.

۳. سیلوانا آریا (Silvana Arbia) از ایتالیا، رئیس دفتر ثبت و بایگانی است. وی در ۲۸ فوریه ۲۰۰۸ برای یک دوره پنج ساله به این سمت منصوب شده است.

4. Regulations of the Registry, Regulation 84.

5. Regulations of the Court, Regulation 84(1).

6. Ibid., Regulation 83(2).

7. Ibid., Regulation 83(3).

## نتیجه گیری

ارتکاب جنایات بین‌المللی شمار بسیار زیادی از بزهدیدگان را دچار آسیبهای عمیق و گسترده می‌سازد. آسیبهایی که نیازمند کمک فوری و همه‌جانبه هستند. دیوان که به منظور محاکمه جنایتکاران بین‌المللی تأسیس شده است با درک این نیاز فوری و همه‌جانبه، راهکارهایی را برای حمایت از قربانیان پیش‌بینی کرده است. حمایت‌های مادی پیش‌بینی شده از سوی دیوان که به فراخور گستردگی و تنوع نیازهای بزهدیدگان، گونه‌های متفاوتی از حمایتها را در بر می‌گیرند، می‌توانند در سه سطح کلی حمایت‌های پزشکی، روان‌پزشکی و مالی دسته‌بندی شوند. بررسی مقررات دیوان به خوبی نمایان می‌سازد که طیف وسیع و متنوع نیازهای قربانیان جنایت‌های بین‌المللی، از سوی دیوان بین‌المللی کیفری مورد شناسایی قرار گرفته است. دیوان، در گزینش بهترین شیوه‌های حمایت از بزهدیدگان و عملیاتی و اجرایی نمودن این راهکارها می‌کوشد. دیوان، در پی حمایت از بزهدیدگان در عدالت کیفری بین‌المللی است و می‌توان پذیرفت که حمایت‌های مادی از آنان را به شکل شایسته مد نظر قرار داده است.

جنایت‌های بین‌المللی، آسیبهای جسمانی بسیاری مانند قطع عضو، نابینایی، از کارافتادگی دائم و... را ایجاد می‌نمایند که نیازمند مراقبت‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت هستند. مساعدتهای پزشکی، در قلمرو اقدام‌هایی قرار دارند که بلافاصله پس از رویداد جنایی به کار گرفته می‌شوند. آسیبهای روانی نیز به میزان آسیبهای جسمانی مهم هستند. کمک‌رسانی مالی به بزهدیدگان نیز به ویژه در مناطق جنگ‌زده و دچار بحران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دیوان، با در نظر گرفتن تنوع آسیبهای وارده، بر آن است تا چتر حمایتی خود را تا بیشترین میزان ممکن توسعه دهد. اما این واقعیت انکارناپذیر است که دیوان به تنهایی قادر به حمایت گسترده و فراگیر نخواهد بود. در همین راستا، یک «صندوق امانی» برای جمع‌آوری وجوه به منظور جبران آسیبهای مالی تأسیس شده است. کمک‌های پرداخت‌شده از سوی دولتها یا سازمانهای خیریه و مردم‌نهاد بخش عظیمی از بودجه صندوق را تأمین ساخته است، اما حجم وسیع آسیبه‌ها نیازمند حمایت‌های بیشتری است.

کتاب‌شناسی

۱. آنسل، مارک، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲. احمدی، احمد، «مشاهده بزه دیدگان»، (زیر نظر احمدعلی فروغی ابری و دیگران)، *بزه دیدگان: مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه*، اصفهان، نقش مانا، ۱۳۸۲ ش.
۳. اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم)، *عدالت برای بزه دیدگان*، ترجمه علی شایان، تهران، سلسیل، ۱۳۸۴ ش.
۴. پوت‌واین، دیوید و آیدن سامونز، *روانشناسی و جرم*، ترجمه داوود نجفی توانا، تهران، میزان، ۱۳۸۳ ش.
۵. توجهی، عبدالعلی، «سیاست جنایی حمایت از بزه دیدگان»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، شماره ۴، ۱۳۷۸ ش.
۶. حبیبی مُجنده، محمد، «حق بر سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، *حقوق بشر*، شماره ۱، ۱۳۸۶ ش.
۷. حسینی نژاد، حسینقلی، *حقوق کیفری بین‌المللی*، تهران، میزان، ۱۳۷۳ ش.
۸. رایت، مارتین، «حقوق و نیازهای بزه دیدگان در فرایند عدالت کیفری»، زیر نظر هنریک کاپتین، مارک مالچ نیکل، *جرم، بزه دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه)*، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، خلیلیان، ۱۳۸۳ ش.
۹. ریدربرگ، آسا، *بزه دیدگان و دیوان کیفری بین‌المللی در یوگسلاوی سابق*، زیر نظر هنریک کاپتین و مارک مالچ نیکل، *جرم، بزه دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه)*، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، خلیلیان، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. فرکلتن، ایان، «جبران خسارت از بزه دیدگان جرم»، زیر نظر هنریک کاپتین، مارک مالچ نیکل، *جرم، بزه دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه)*، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، خلیلیان، ۱۳۸۳ ش.
۱۱. فیلیزولا، ژینا و ژرار لُز، *بزه دیده و بزه دیده‌شناسی*، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، تهران، مجد، ۱۳۷۹ ش.
۱۲. گودرزی، فرامرز و مهرزاد کیانی، *پزشکی قانونی*، تهران، سمت، ۱۳۸۴ ش.
۱۳. لازرژ، کریستین، *درآمدی به سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. ماهر، فرهاد، «بزه دیدگان گروه فراموش شده»، زیر نظر احمدعلی فروغی ابری و دیگران، *بزه دیدگان: مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه*، اصفهان، نقش مانا، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. میرمحمدصادقی، حسین، *حقوق جزای بین‌الملل*، تهران، میزان، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حسین غلامی و فیروز محمودی، «عدالت برای بزه دیدگان (میزگرد)»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۲-۵۳، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. والین، لوک، «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان»، ترجمه توکل حبیب‌زاده و مجتبی جعفری، *مجله حقوقی*، شماره ۳۴، ۱۳۸۵ ش.



۱۸. ویانو، امیلیو، «بزده‌دیده‌شناسی»، ترجمه نسرین مهرا، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۹-۲۰، ۱۳۷۶ ش.
19. Bassiouni, M. Cherif, "International Recognition of Victims' Rights", *Human Rights Law Review*, Vol. 6, No. 2, 2006.
20. Dixon, Peter, et al., *Earmarked Support at the Trust Fund for Victims*, Program Progress Report Winter 2011, <<http://www.TrustFundforVictims.org>> .
21. Fischer, Peter G., "The Victims' Trust Fund of the International Criminal Court: Formation of a Functional Reparations Scheme", *EMORY International Law Review*, Vol. 17, 2003.
22. Glickman, Steven, "Victims' Justice: Legitimizing the Sentencing Regime of the International Criminal Court", *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 43, 2004.
23. Happold, Matthew, "Prosecutor v. Thomas Lubanga, Decision of Pre-Trial Chamber I of the International Criminal Court", 29 January 2007, *International & Comparative Law Quarterly*, Vol. 56, 2007.
24. International Criminal Court, *Registry and Trust Fund for Victims Fact Sheet*, April 2010, (RC/ST/V/INF.3).
25. Keller, Linda M., "Seeking Justice of the International Criminal Court: Victims' Reparations", *THOMAS JEFFERSON Law Review*, Vol. 29, 2007.
26. Wemmers, Jo-Anne, *Reparation and the International Criminal Court: Meeting the Needs of Victims*, Report of the workshop held January 28<sup>th</sup> 2006.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی